

(تام‌نهادن در موسیقی)

نشریه فرهنگ اجتماعی گندم

دارای مجوز رسمی از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه علامه طباطبائی
به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۹۹/۰۶/۱۱
شماره دوم / مهر ماه ۱۳۹۹

نقد و بررسی فیلم روز واقعه

کارگردان: شهرام اسدی

فیلمنامه: بهرام بیضایی

موسیقی: مجید انتظامی

برگزیده هیات داوران جشنواره فیلم فجر ۱۳۷۳

تهیه و تنظیم متن پیش رو:
کیمیا اسماعیلی وزهرا رمضانعلی



Gandomteam

فیلم Rava

GANDOM Rava

Gandomteam.ir




دانشگاه علامه طباطبائی

ویژه نامه اربعین حسینه



صفحه اول	خلاصه‌ای از داستان /
صفحه دوم	تحلیل عرفانی داستان «عبدالله» /
صفحه سوم	تفاوت روز واقعه با دیگر آثار بیضایی /
صفحه چهارم	اثر دیالوگ در شخصیت و داستان /
صفحه پنجم	درک معنا و کمال فیلمنامه /
صفحه ششم	ساختار فیلم /
صفحه هفتم	الگوی «سفر قهرمان» در روز واقعه /
صفحه هشتم	حقیقت بر سر نیزه /
صفحه نهم	گفتگوهای ابدی /
صفحه آخر	مختصری درباره مجموعه فرهنگی اجتماعی گندم

تقدیم به آنان که ملودی عشق را می‌شنوند و به دنبال آن در حرکت‌اند.

 بیضایی به خوبی توانسته موضوع فیلم را در دیالوگ‌های فاخرش بگنجانند.


اسود آهنگر (از قول امام حسین (ع)):

«عشق نه مقصد حرکت که مرکب حرکت است، گداختن است و نابود شدن.» و عبدالله از عشق خویش گذشت و به قصد عشقی بزرگتر حرکت کرد. او گفت: «تمام حجت من بر مسلمانی حسین بن علی است...»

شبلی (عبدالله - نصرانی) به عشق راحله مسلمان می‌شود. حجت او بر مسلمانی حسین بن علی است. روز قبل از عاشورا ندای «هل من ناصرأ ینصرنی» را می‌شنود حیران می‌شود و به سمت امام حسین علیه‌السلام حرکت می‌کند...

او از سروش غیبی می‌شنود که «آیا کسی هست مرا یاری کند؟» به یاد رؤیایش می‌افتد که در آن، خودش، اسود آهنگر و دو تن دیگر را به یاری خوانده‌اند. عبدالله شتابان به سراغ اسود آهنگر می‌رود اما او زودتر بار سفر بسته، به کربلا رفته است.

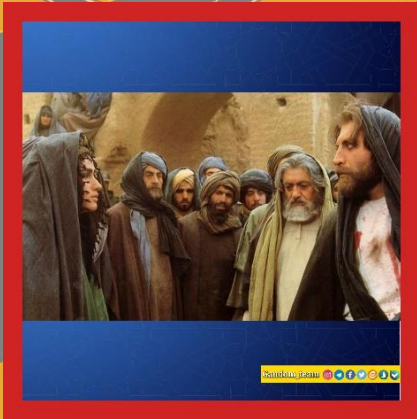
تحلیل عرفانی داستان «عبدالله»

 عبدالله و ندایی که او را به سوی خویش فرا خوانده شهود و چشم دل است. مکاشفه‌ای که از سر مشاهده مستقیم وقایع ظهر عاشورا نیست. عبدالله نماد عاشقانی است که از دور و نزدیک در تب و تاب عشق به حسین علی هستند.

عبدالله با کسب معرفت عشق و شهود به سوی حقیقت که بر سر نیزه است می‌رود.

همان جنسی که هم اکنون نیز فراگیر است و از هر نژاد و قوم و ملیت و جنسیتی عاشق این نهضت‌اند.

سفر عبدالله وادی به وادی محقق می‌شود که یادآور عرفان اسلامی است. عبدالله در هر وادی، در معرفتی کسب می‌کند و قدم به قدم متحول می‌شود، و در نهایت هدف از خوانده شدنش به این سلوک، نه یاری حسین علی (ع) بلکه کمال خودش است. همانطور که در دیالوگی داریم که: «عشق مرکب راه است، نه مقصد راه» عبدالله قهرمانی که ساخته می‌شود تا در انتها برای آیندگان از عشق بگوید. از اینکه بدنامان سر حقیقت را بریده و بر نیزه می‌کنند...





تفاوت روز واقعه با دیگر آثار بیضایی

بهرام بیضایی علاقه زیادی به فرهنگ اساطیری دارد و در تمامی آثارش به شیوه‌ای به کاربرد نمادین اسطوره می‌پردازد.

اما از نظر بهرام بیضایی روز واقعه با تمام کارهایش فرق دارد. اسطوره در روز واقعه حضور عینی دارد. عبدالله (قهرمانی) به دنبال اسطوره‌ای که حقیقت محض (امام حسین (ع)) است می‌شتابد.

سوره انعام آیه ۲۵: «بعضی از آنها به تو گوش می‌دهند ولی ما بر دل‌هایشان پرده افکنده‌ایم تا آن را در نیابند و گوش‌هایشان را سنگین کرده‌ایم و هر معجزه‌ای را که بنگرند بدان ایمان نمی‌آورند. چون نزد تو آیند با تو به مجادله پردازند. کافران می‌گویند که اینها چیزی جز اساطیر پیشینیان نیست.»

 عبدالله در مسیر یافتن حقیقت قرار می‌گیرد، او در مسیری که برخی آن را به هفت خوان رستم برخی آن را به هفت شهر عشق تشبیه کرده‌اند سفری را آغاز می‌کند. در این مسیر به نشانه‌ها و عظمت این عشق بیشتر پی می‌برد و شوق او به سفر با تمام سختی‌ها بیشتر می‌شود، چنانکه هم اکنون این شوق برای زیارت کربلا دیده می‌شود این از نقاط قوت داستان است چرا که مخاطبان عاشق امام حسین (ع) به خوبی با عبدالله همذات‌پنداری می‌کند.

 او زمانی به ندا دهنده‌اش که برای او نشانه‌هایی دقیقی در مسیر گذاشته بود می‌رسد که او را سربریده‌اند... و در بازگشت از سفرش برای یافتن حقیقت اینگونه به راحله می‌گوید: «من حقیقت را در زنجیر دیدم. حقیقت را پاره پاره بر خاک دیدم. من حقیقت را بر سر نیزه دیدم.»



ملاصدرا:

«المجاز قنطرت
الحقیقت)
(مجاز پلی است
به حقیقت)



شتربانی از او نقل کرد که فرموده: «هنوز ظلم بسیار است.»

بیابان‌نشینی نقل کرد که فرموده: «چگونه سنگی بر بت‌های مرده بیندازم در حالی که بت‌های زنده بر زمین‌اند.»

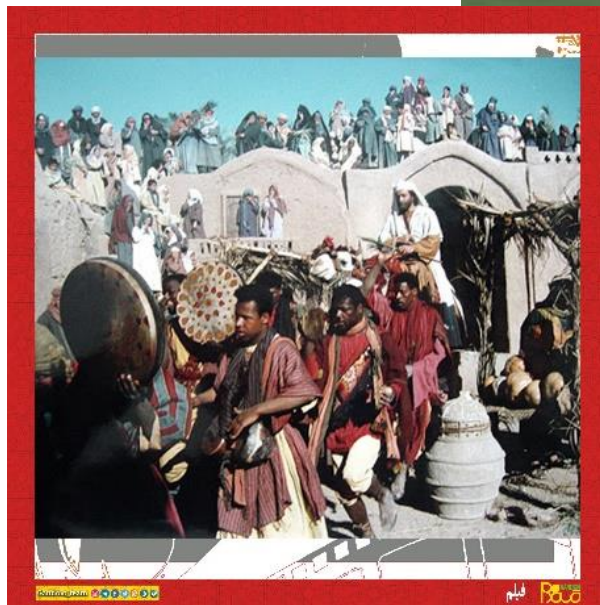
و در آخرین منزل تا کربلا، بزرگ‌قبیله صحرانشین از او نقل کرد:

«ندیدم سری به سرداری مگر بسیار سرها به زیر پای او. آنان که دستار بر سر نهاده‌اند سر از مردم جدا می‌کنند... زرفروشان زور و تزویر قرآن را به سود خود تفسیر می‌کنند و انباشان را از انباشتن پایانی نیست.»

تمامی دیالوگ‌ها شخصیت و داستان را قدم به قدم تا رساندن به حقیقت کمک می‌کند.

نقاط قوت از شخصیت عبدالله گرفته تا اشراف و بزرگان مصلحت‌طلب قوم، عشق پاک عبدالله و راحله، تعصب جاهلی در خصوص تفاخر به مذهب پدران که رنگ و بوی اسلامی گرفته، حرمت خونریزی در ماه حرام، دیرباوری، سستی و کفر و نفاق مردمی که هنوز چهره علی(ع) را به خاطر داشتند و از حسین پرسیدند: «آیا تو کافری؟» به خوبی در دیالوگ‌ها آورده شده است.

قصه، اگرچه قصه عبدالله است اما عمقی به وسعت کربلا دارد. هدف فیلم آشنایی مخاطب با حقیقت و ایدئولوژی امام حسین (ع) و قرار گرفتن در مرکز این واقعه است و اینکه انسان در برابر این مظلومیت خود را بی دفاع می بیند. بیضایی توانسته است از واقعه سهمگین عاشورا اثری جاویدان و پابرجا بنویسد.



فیلمنامه دکوپاژ شده‌ای که کار را برای کارگردان سهل کرد.

ظهور و بروز وجود امام حسین (ع) در هستی و شنیدن صدای ایشان توسط بنده‌ای در کشاکش عشق زمینی و از سویی عشق حقیقی که در کربلا است، انسان را عمیقاً به فکر فرو می‌برد.

ساختار فیلم

در قیاسی که در داستان از امام حسین (ع) و حضرت مسیح (ع) شده است این فیلم فیلمی جهانشمول است. همچنین دیالوگ‌ها و مونولوگ‌ها نشانه این اتفاق بزرگ در این فیلم است.

برای مثال : «خودستایان تکیه بر اریکه‌ها زدند. کتاب خدا را چنان می‌خوانند که سود ایشان است. آنان که طیلسان زهد بر تن دارند، تک پیراهنان را پیراهن می‌درند. این نیست آنچه ما می‌گفتیم...»

با توجه به محدودیت در نشان دادن چهره پیامبران و ائمه(س)، در کشوری که قلب هزاران نفر با شنیدن نام امام حسین(ع) می‌تپد، می‌توان به موفقیت این فیلم تبریک گفت.

میزانسن‌های تمام عیار، از جمله مناظر جذاب، انتخاب درست بازیگر و گریم شخصیت‌ها و فضا سازی مناسب، در راستای ارزش باطن و معنویت به خوبی عمل کرده است.

محتوایی قوی و دیالوگ‌ها غنی، منسجم و یکدست که در کنار موسیقی هوشمندانه و همپای بازی‌های باورپذیر و توانمند تماشاچی را به دور از هر گونه جبهه‌گیری دینی، در حال و هوای فیلم قرار می‌دهد و کاتارسیس (احساس همدردی و توجه او) را برمی‌انگیزد.

طراحی لباس و چهره نه تنها شخصیت‌های اصلی، بلکه بر روی سیاهی لشکرها نیز به دقت کار شده است.

بازی‌ها،
موسیقی،
ریتم،
آکسسوار،
طراحی‌های
صحنه

و لباس
و گریم
خیره‌کننده‌اند.

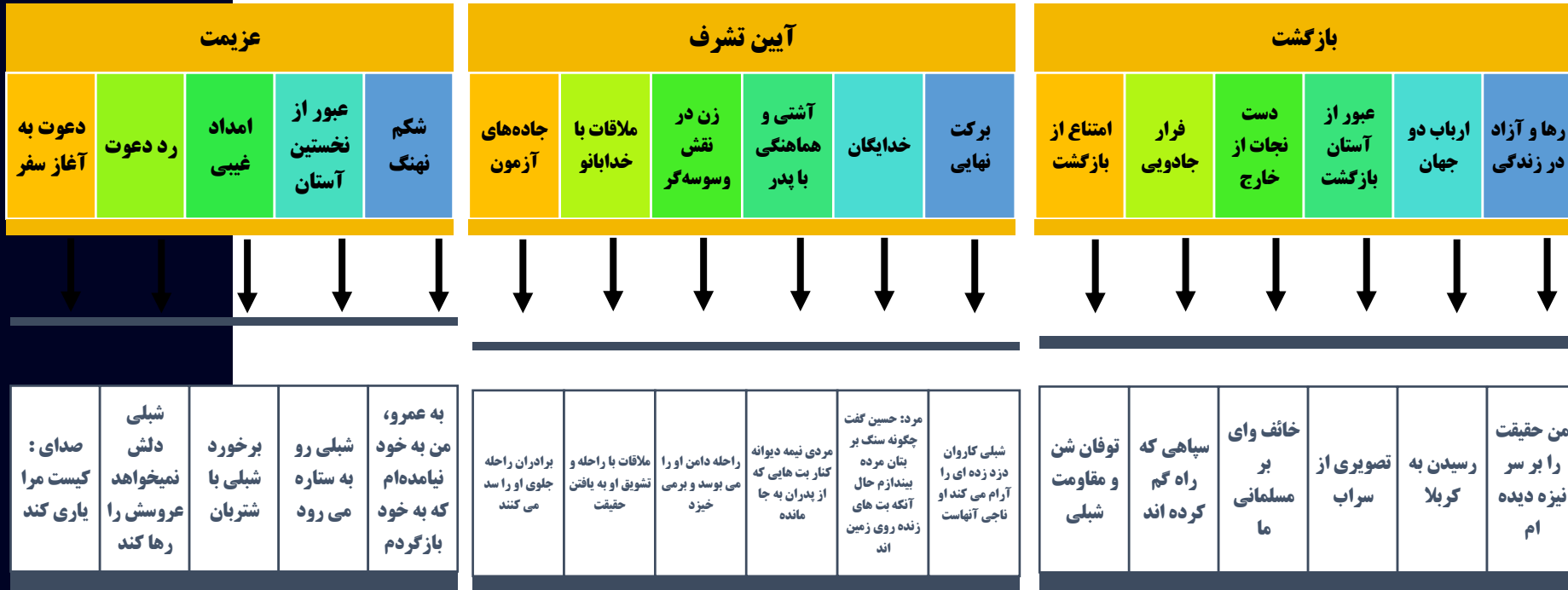


صفحه ششم

این فیلم یکی از کامل‌ترین آثار
در به‌کارگیری الگوی «سفر
قهرمان» جوزف کمپبل است،
در زیر شرح مختصری از این
الگوی فیلمنامه‌نویسی آورده
شده است.



یکی دیگر از تفاوت‌های روز واقعه با دیگر آثار بیضایی در این الگو (سفر قهرمان) است. قهرمان در رویایی اسطوره‌اش را که از طریق راحله عشق زمینی‌اش شناخته می‌بیند اما در پایان عبدالله بجای اسطوره به حقیقت محض می‌رسد. از نکات مثبت و قابل توجه این فیلمنامه کامل بودن این الگو در فیلمنامه روز واقعه است که در زیر به صورت مختصر آورده شده است.



عبدالله: «مسیح را
مسیحیان نکشتند
چگونه است که
مسلمانان بهترین خود
را می کشند؟»
جبیر: «وای بر مسلمانی
ما که نصرانی مسلک
بیدارمان کند که با
حسین علی می جنگیم.»

عبدالله: «من در پی
حسین علی هستم»
شتربان: «پس تو در
تاریکی شب دنبال
حقیقت می گردی؟»



راحله: «حقیقت را
چگونه یافتی؟»
عبدالله: «من حقیقت را
در زنجیر دیدم.
حقیقت را پاره پاره بر
خاک دیدم.
من حقیقت را بر سر نیزه
دیدم»

کانون فرهنگی اجتماعی «گندم» از فروردین ۱۳۹۹ فعالیت خود را در فضای مجازی، با هدف تولید و معرفی محتوای فرهنگی «سالم» آغاز کرد و با گرفتن مجوز جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی به کار خود ادامه داد.

بنا به مسیر پویا و توفیقات در این مسیر در شهریور ماه همین سال مجوز «ماهنامه گندم» نیز از سوی معاونت فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی صادر شد. گروه گندم با بهره‌مندی از نیرو و ظرفیت جوانان دانشجوی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله قرآن، کودک، خانواده، فیلم، کتاب، اقتصاد، کلام، اخلاق، عفاف و اعتیاد فعال است و سعی دارد محتوای تولیدی خود را در قالب نشریه‌ای الکترونیکی و با موضوعاتی متنوع عرضه نماید. این نشریه به مناسبت «اربعین» منتشر شده است، و در راستای گام نهادن در این مسیر تقدیم دوستان گروه گندم می‌شود.